

پرونده «وطن امروز» درباره آسیب‌های ویرانگر اقتصادی رژیم صهیونیستی در پی حملات موشکی ایران

سکته قلبی اقتصاد رژیم

در اسرائیل را نیز زیر سؤال برد. تخریب بخش‌هایی از این مجموعه، منجر به از دست رفتن داده‌های حیاتی، متوقف شدن خطوط تولید نرم‌افزاری و کاهش شدید قابلیت‌های رقابتی شرکت‌های مستقر در این مجموعه شد. کارشناسان بر این باورند بازسازی کامل این پارک فناوری حداقل ۱۸ ماه زمان می‌برد و به سرایه‌گذاری بیش از ۸۰۰ میلیون دلار نیاز دارد.

۲- شهر صنعتی کریات گت؛ فروپاشی قطب تراشه‌سازی
 شهر صنعتی کریات گت به عنوان قطب اصلی فناوری و تراشه‌سازی رژیم صهیونیستی، یکی از اهداف استراتژیک حملات موشکی ایران قرار گرفت. این مجموعه که میزبان واحدهای بزرگ تولید تراشه‌های صنعتی و هلدینگ‌های عظیم فعال در حوزه فناوری بود، محور اصلی صادرات فناوری پیشرفته اسرائیل به شمار می‌رفت. کریات گت سالانه بیش از ۴ میلیارد دلار صادرات فناوری برای رژیم صهیونیستی تولید می‌کرد. ضربات موشکی ایران به این مجموعه، خطوط تولید تراشه‌های نظامی و غیرنظامی را فلج کرد و زنجیره تأمین جهانی قطعات الکترونیکی را نیز تحت تأثیر قرار داد. آسیب به تجهیزات حساس و پیچیده تولید تراشه که نیاز به محیط کنترل‌شده و تکنولوژی بالا دارند، خسارت جبران‌ناپذیری به این صنعت وارد کرد. کارشناسان صنعت نیمه‌هادی برآورد می‌کنند اختلال در تولید تراشه‌های این مجموعه، کمبود قطعات الکترونیکی در بازارهای جهانی را تشدید خواهد کرد. علاوه بر خسارات مستقیم، توقف عملکرد کارخانه‌های تراشه‌سازی منجر به لغو قراردادهای بلندمدت با شرکت‌های بین‌المللی می‌شود که می‌تواند باعث کاهش اعتبار رژیم در بازارهای جهانی فناوری و مهاجرت متخصصان به کشورهای دیگر شود.

۳- دفتر مایکروسافت در پتسح؛ اختلال در مراکز فناوری جهانی

هدف‌گیری دفتر مایکروسافت در پتسح، پیامی صریح به شرکت‌های چندملیتی مستقر در اسرائیل بود. این دفتر که مرکز توسعه سیستم عامل ویندوز و خدمات ابری (Azure) برای منطقه خاورمیانه محسوب می‌شد، نقش مهمی در اقتصاد دیجیتال منطقه ایفا می‌کرد. آسیب به این مجموعه، نه‌تنها پروژه‌های توسعه نرم‌افزاری را متوقف کرد، بلکه خدمات ابری ارائه شده به هزاران شرکت در منطقه را نیز دچار اختلال کرد. این دفتر سالانه بیش از ۳۰۰ میلیون دلار درآمد مستقیم و غیرمستقیم برای اقتصاد محلی ایجاد می‌کرد. بر اثر پی این حمله، مایکروسافت مجبور شد بخشی از فعالیت‌های خود را به دفاتر دیگر منتقل کند که این امر هزینه‌های اضافی قابل توجهی را به همراه داشت. همچنین اعتماد سایر شرکت‌های فناوری بین‌المللی به ثبات امنیتی اسرائیل زیر سؤال رفت و احتمالاً بخشی از آنها تصمیم به بازنگری در برنامه‌های سرمایه‌گذاری خود بگیرند.

۴- مجموعه رامت گان؛ ضربه به قلب مالی رژیم
 حمله بی‌سابقه به مناطق حیاتی اقتصادی رامت گان، از بورس الماس تا برج‌های تجاری و مراکز فناوری، شوک شدیدی به بازارهای مالی رژیم صهیونیستی وارد کرد. رامت گان که به عنوان قلب تپنده مالی اسرائیل شناخته می‌شود، بیش از ۶۰ درصد معاملات بورس اوراق بهادار و ۷۰ درصد تجارت الماس این رژیم را در خود جای داده بود. فقط در یک روز پس از حملات، شاخص بورس تل آویو بیش از ۳ درصد سقوط کرد که معادل ۱۴ میلیارد دلار کاهش ارزش بازار بود. این سقوط آزاد، اعتماد سرمایه‌گذاران را نسبت به ثبات اقتصادی اسرائیل بشدت متزلزل کرد. بورس الماس رامت گان که بزرگ‌ترین مرکز تجارت الماس جهان پس از آنتورپ محسوب می‌شود، سالانه بیش از ۲۰ میلیارد دلار معامله انجام می‌داد. آسیب به این مجموعه، نه‌تنها بازار جهانی الماس را تحت تأثیر قرار می‌دهد، بلکه ریسک فرار سرمایه از این بخش را هم دارد. برچهای تجاری آسیب‌دیده در رامت گان، میزبان صدها شرکت بین‌المللی، بانک‌های سرمایه‌گذاری و موسسات مالی بودند. تخریب بخش‌هایی از این برچ‌ها، فعالیت تجاری را فلج کرد و هزینه‌های جابه‌جایی و بازسازی را بشدت افزایش داد.

۵- پالایشگاه حیفا؛ فلج شدن قلب انرژی
 پالایشگاه حیفا به عنوان بزرگ‌ترین پالایشگاه اسرائیل، نقش حیاتی در تأمین انرژی این رژیم ایفا می‌کرد. فعالیت این مجموعه که ۴۰ درصد بنزین و ۶۰ درصد گازوئیل مصرفی رژیم صهیونیستی را تولید می‌کرد، پس از اصابت موشک‌های نقطه‌زن ایرانی به طور کامل متوقف شد. وزیر انرژی رژیم صهیونیستی اعتراف کرد «بازسازی کامل پالایشگاه حیفا دست‌کم یک ماه کامل زمان می‌برد». این توقف، کمبود شدید سوخت را در سراسر اسرائیل ایجاد کرد و تصاویری از دگرگیری‌های مردم در پمپ‌بنزین‌ها در فضای مجازی منتشر شد.

۲۳ خرداد، رژیم صهیونیستی دست به عملیات تهاجمی اشکار علیه خاک مقدس جمهوری اسلامی ایران زده اقدامی که نه‌تنها با شکست سخت و تحقیرآمیز این رژیم غاصب همراه شد، بلکه زمینه‌ساز تحولات عمیق

اقتصادی و سیاسی در منطقه نیز خواهد شد. رهبر حکیم انقلاب و فرمانده کلا فوا حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در تبیین ابعاد این پربروزی ارزشمند خطاب به ملت شریف ایران فرمودند: «لازم می‌دام به ملت بزرگ ایران تبریک عرض کنم. چند تبریک به ملت عرض می‌کنم؛ یکی تبریک پربروزی بر رژیم جعلی صهیونیست، رژیم صهیونی با آن همه هیاهو، با آن همه ادعا، در زیر ضربات جمهوری اسلامی تقریباً از پا در آمد و له شد. فکر اینکه چنین ضرباتی از سوی جمهوری اسلامی ممکن است بر رژیم وارد شود، به ذهن و مخیله آنها خطور نمی‌کرد و اتفاقی افتاد».

این پربروزی که فصل جدیدی در معادلات قدرت منطقه‌ای رقم زد، ضمن آنکه اقتدار نظامی جمهوری اسلامی را به رخ جهان کشید، تبعات اقتصادی گسترده‌ای بر رژیم صهیونیستی تحمیل کرد. در این گزارش، بر آن هستیم ابعاد اقتصادی شکست رژیم اشغالگر قدس و فرایند «پا در آمدن» اقتصادی این رژیم را مورد بررسی و تحلیل قرار دهیم. پس از تجاوز آشکار رژیم سفاک صهیونیستی به خاک مقدس ایران، نیروهای مسلح جمهوری اسلامی با پاسخی قدرتمند و محاسبه‌شده وارد عمل شدند. طی ۱۲ روز متوالی، رژیم غاصب قدس زیر بارانی از ضربات سنگین موشکی نیروهای مسلح ایران قرار گرفت که نه‌تنها دقت و توان تکنولوژیک جمهوری اسلامی را به نمایش گذاشت، بلکه ساختار قدرت این رژیم را از بن متزلزل کرد. این حملات هدفمند و محاسبه‌شده، فراتر از پایگاه‌های نظامی،

زیرساخت‌ها و منابع قدرت‌افزین اقتصادی رژیم صهیونیستی را در کانون اهداف خود قرار داد. همین تخریب زیرساخت‌های اقتصادی و توان مالی رژیم، یکی از اصلی‌ترین محرک‌های تقاضای فوری آمریکا و رژیم صهیونیستی برای آتش‌پس محسوب می‌شود. باتزاب عمق این ضربات در اظهارات متناقض مقامات آمریکایی نیز به وضوح مشاهده می‌شود. دونالد ترامپ که یک هفته قبل آتش‌پس در ۱۸ ژوئن با لحنی متکبرانه اعلام کرده بود «ما دنبال آتش‌پس با ایران نیستیم. ما دنبال پربروزی کامل و صد درصدی هستیم»، بر اثر غافلگیری ناشی از ضربات سنگین جمهوری اسلامی، پس از آتش‌پس مجبور به اعتراف رسمی شد و گفت: «اسرائیل ضربه خیلی سختی خورد. خصوصاً در روزهای آخر، اسرائیل واقعاً ضربه سختی خورد. وای پسران! موشک‌های بالستیک خیلی از ساختمان‌ها رو نابود کردند»! این تغییر ۱۸۰ درجه‌ای در موضع ترامپ، نشان‌دهنده عمق فاجعه‌ای است که بر پیکره اقتصادی و نظامی رژیم صهیونیستی وارد آمده است. از این رو، بازخوانی مصداقی و دقیق ضربات اقتصادی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران به حیات اقتصادی رژیم صهیونیستی، برای درک این نکته حیاتی که چرا آنها ناچار به زانو بردن برای آتش‌پس شدند، بسیار حائز اهمیت است.

■ **تخریب اقتصادی ویرانگر ضربات موشکی جمهوری اسلامی ایران به زیرساخت‌های حیاتی رژیم صهیونیستی**
 ضربات هدفمند و دقیق نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران طی ۱۲ روز نبرد، قدرت نظامی این رژیم غاصب را درهم‌شکست، بلکه ساختار اقتصادی آن را نیز از بنیان متزلزل کرد. هدف‌گیری هوشمندانه مراکز حیاتی اقتصادی، زیرساخت‌های انرژی و قطب‌های فناوری، آسیب‌هایی جبران‌ناپذیر به پیکره اقتصاد صهیونیستی وارد کرد که تأثیرات آن در سال‌های آینده نیز ادامه خواهد داشت.

۱- پارک فناوری Gav-Yam؛ ضربه به قلب اقتصاد دیجیتال
 پارک فناوری Gav-Yam که به عنوان یکی از مهم‌ترین قطب‌های نوآوری و فناوری اطلاعات در سرزمین‌های اشغالی محسوب می‌شد، زیر ضربات موشکی دقیق ایرانی قرار گرفت. این مجموعه که میزبان ده‌ها استارت‌آپ فناوری، شرکت‌های نرم‌افزاری و مراکز تحقیق و توسعه بود، نقشی کلیدی در اقتصاد دانش‌بنیان رژیم صهیونیستی ایفا می‌کرد.

از نظر اقتصادی، این پارک فناوری سالانه بیش از ۲.۵ میلیارد دلار ارزش‌افزوده تولید می‌کرد و زمینه اشتغال ۱۵ هزار نفر را به شکل مستقیم و ۴۵ هزار نفر را به شکل غیرمستقیم فراهم بود. آسیب جدی به این مرکز، نه‌تنها پروژه‌های در دست اجرا را متوقف کرد، بلکه اعتماد سرمایه‌گذاران خارجی به ثبات امنیتی زیرساخت‌های فناوری

یکی از مهم‌ترین اهداف راهبردی جمهوری اسلامی ایران در عملیات‌های نظامی علیه رژیم اشغالگر صهیونیستی، هدف‌گیری دقیق حوزه فناوری این رژیم بوده است. این انتخاب استراتژیک بر اساس تحلیل عمیق از نقش حیاتی بخش فناوری در پایه‌های اقتصادی رژیم اشغالگر شکل گرفته است. بخش فناوری در سرزمین‌های اشغالی از ۲ جهت کلیدی به عنوان قلب تپنده اقتصاد این رژیم عمل می‌کند. نخست آنکه این حوزه به عنوان قوی‌ترین مغناطیس جذب نیروی انسانی متخصص و نخبه عمل کرده و موجب تقویت چرخه مهاجرت به نفع رژیم صهیونیستی شده است. این روند از سال ۲۰۰۲ به بعد با تمرکز ویژه رژیم بر توسعه بخش فناوری، شتاب چشمگیری یافته است. از سوی دیگر، این بخش به مهم‌ترین کاتال جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی در سرزمین‌های اشغالی تبدیل شده و نقشی محوری در تأمین ارز مورد نیاز و حفظ ثبات اقتصادی رژیم اشغالگر ایفا می‌کند. بنابراین هدف‌گیری این حوزه حساس، نه تنها ضربه‌ای مستقیم به توان اقتصادی رژیم صهیونی محسوب می‌شود، بلکه می‌تواند در بلندمدت، پایه‌های راهبردی قدرت این رژیم را به چالش بکشد.

تحلیل و بررسی
 تحلیل جامع هدفهای بخش فناوری برای رژیم صهیونیستی بخش فناوری در سرزمین‌های اشغالی نقشی فراتر از یک حوزه اقتصادی ایفا می‌کند و به عنوان ستون فقرات راهبردی رژیم صهیونیستی عمل کرده است که می‌توان در ۱۰ بعد زیر خلاصه کرد.
جذب و تربیت نیروی انسانی متخصص: رژیم صهیونیستی از طریق صنعت فناوری توانسته است به قطب جذب نخبگان تبدیل شود. برنامه‌های ویژه نظیر تخنپون و دانشگاه‌های تحقیقاتی پیشرفته، سالانه هزاران متخصص را از سراسر جهان جذب می‌کنند. این فرآیند نه تنها مانع خروج نیروهای داخلی می‌شود، بلکه چرخه مثبتی از توسعه دانش و نوآوری ایجاد کرده که کیفیت نیروی کار را بشدت ارتقا داده است. مراکز R&D داخلی شرکت‌های بزرگ نظیر اینتل و مایکروسافت، سالانه صدها مهندس و محقق متخصص تربیت می‌کنند که دانش فنی پیشرفته‌ای را در اختیار رژیم قرار می‌دهند.
جذب شرکت‌ها و همکاری‌های بین‌المللی: غول‌های فناوری جهان از جمله گوگل، آمازون، فیس‌بوک و اپل، مراکز تحقیقاتی گسترده‌ای در سرزمین‌های اشغالی تأسیس کرده‌اند. این حضور، رژیم را به حلقه اتصال کلیدی در زنجیره ارزش جهانی فناوری تبدیل کرده است. همکاری‌های بین‌المللی در حوزه‌های کوانتوم، هوش مصنوعی و بیوتکنولوژی، دسترسی رژیم به پیشرفته‌ترین تکنولوژی‌های جهان را تضمین کرده

۶- بندر حیفا؛ قطع رگ حیاتی تجارت خارجی
 بندر حیفا که مهم‌ترین دروازه ورود و خروج کالا و ستون فقرات اقتصادی رژیم صهیونیستی به شمار می‌رفت، پس از حملات موشکی ایران عملاً فلج شد. بر اساس رصد سایت Marine Traffic، تجارت در این بندر متوقف شده و هیچ کشتی‌ای در آن پهلوگیری نمی‌کند. بندر حیفا سالانه بیش از ۱۵ میلیون تن کالا جابه‌جا می‌کرد و بیش از ۹۹ درصد تجارت خارجی اسرائیل از طریق دریا و این بندر انجام می‌شد. توقف عملکرد این بندر، عواقب ویرانگری به همراه داشت:
الف- گسست زنجیره تأمین: کمبود کالاهای استراتژیک، دارو، سوخت و قطعات صنعتی

ب- افزایش قیمت‌ها: قیمت کالاهای اساسی به دلیل کمبود عرضه ۲۵ تا ۵۰ درصد افزایش یافت
پ- توقف صادرات: صنایع صادراتی نتوانستند محصولات خود را به بازارهای جهانی ارسال کنند
ت- هزینه اعتراف کشتی: بیش از ۴۰ کشتی کوچک و بزرگ که در نزدیکی بندر حیفا متوقف شده بودند، بر اساس ارزیابی ریسک بالا مجبور به بازگشت شدند. این امر هزینه‌های اضافی میلیونی برای شرکت‌های کشتیرانی و بیمه‌های دریایی ایجاد کرد.
ث- کاهش اعتبار بین‌المللی: شرکت‌های کشتیرانی بین‌المللی بندر حیفا را از فهرست مقاصد امن حذف کردند که این امر تأثیرات بلندمدتی بر تجارت خارجی رژیم خواهد داشت.
ج- افزایش هزینه بیمه: نرخ بیمه کشتی‌های متوجه بندر اسرائیل ۳۰۰ درصد افزایش یافت که هزینه‌های تجاری را بشدت تحت تأثیر قرار داد.

تحلیلگران بر این باورند بندار اسرائیل (حیفا، اشدود و ایلات) به پاشنه آشیل واقعی این رژیم تبدیل شده‌اند و هرگونه نامی در این نقاط می‌تواند موجودیت اقتصادی رژیم را به چالش بکشد.

چ- افزایش هزینه بیمه: نرخ بیمه کشتی‌های متوجه بندار اسرائیل ۳۰۰ درصد افزایش یافت که هزینه‌های تجاری را بشدت تحت تأثیر قرار داد.

تحلیلگران بر این باورند بندار اسرائیل (حیفا، اشدود و ایلات) به پاشنه آشیل واقعی این رژیم تبدیل شده‌اند و هرگونه نامی در این نقاط می‌تواند موجودیت اقتصادی رژیم را به چالش بکشد.

۷- نیروگاه‌های برق؛ فروپاشی شبکه انرژی
نیروگاه اشدود و قطع ۱۴ درصد تولید برق: نیروگاه اشدود با ظرفیت ۱۷۰۰ مگاوات که حدود ۱۴ درصد کل برق اسرائیل را تأمین می‌کرد، پس از اصابت موشک‌های ایرانی دچار انفجار و توقف کامل شد. این حمله نه‌تنها برق چندین شهر جنوبی از جمله اشدود و اشدوگان را قطع کرد، بلکه بخش‌های عمده‌ای از صنایع منطقه را نیز فلج ساخت. در ادامه عواقب اقتصادی توقف فعالیت نیروگاه اشدود را مرور می‌کنیم.

الف- خسارت مستقیم به صنایع: قطع برق در مناطق صنعتی منجر به توقف خطوط تولید، فساد مواد غذایی، از کار افتادن تجهیزات حساس و خسارت سنگین مالی شد.
ب- کاهش تولید ناخالص داخلی: متوقف شدن فعالیت‌های اقتصادی در مناطق بدون برق
پ- هزینه برق اضطراری: رژیم مجبور شد از شبکه‌های همسایه و ژنراتورهای اضطراری استفاده کند که هزینه تولید برق را ۷۰ درصد افزایش داد.
ت- آسیب به زیرساخت‌های حیاتی: بیمارستان‌ها، مراکز درمانی و سیستم‌های ارتباطی دچار اختلال جدی شدند.
نیروگاه‌های حیفا و هادرآ و تشدید بحران انرژی:

آسیب همزمان به نیروگاه‌های حیفا و هادرآ، بحران انرژی را در اسرائیل تشدید کرد. این ۲ نیروگاه که مجموعاً حدود ۱۰ درصد برق مصرفی رژیم را تولید می‌کردند، نقشی کلیدی در تأمین برق مناطق شرقی و مرکزی داشتند. توقف همزمان فعالیت این ۳ نیروگاه موجب کاهش حدود ۲۵ درصدی ظرفیت تولید برق سرزمین‌های اشغالی، اعمال خاموشی‌های گسترده و منطقه‌ای و اختلال در فرآیندهای صنعتی حساس به برق شد.

۸- توقف صادرات گاز لویاتان؛ ضربه به اقتصاد انرژی
 میدان گازی لویاتان که یکی از مهم‌ترین منابع درآمد صادراتی رژیم صهیونیستی محسوب می‌شد، پس از حملات ایران عملاً تعطیل شد. وزیر انرژی اسرائیل به رادیو ارتش اعلام کرد: «صادرات گاز موقتاً متوقف شده است». این میدان گازی سالانه بیش از ۳.۵ میلیارد دلار درآمد برای رژیم صهیونیستی ایجاد و ۵۲ درصد گاز صهیونیست‌ها را

تولید می‌کرد و نقش مهمی در تأمین انرژی مصر، اردن و ترکیه داشت.
۹- تأسیسات گروه نفتی BAZAN: گروه BAZAN که یکی از بزرگ‌ترین مجتمع‌های پتروشیمی اسرائیل محسوب می‌شد، پس از حملات موشکی ایران دچار خسارات سختی شد. این شرکت در نامه‌ای رسمی به بورس اسرائیل اعلام کرد تمام تأسیسات پالایشگاه و شرکت‌های تابعه تعطیل شدند.

در بخشی از نامه پالایشگاه BAZAN آمده بود: «در نتیجه آسیب به مجتمع گروه باران، نیروگاهی که مسؤول بخشی از تولید بخار و برق مورد استفاده تأسیسات این گروه بود، به همراه خسارات اضافی، به طور قابل توجهی آسیب دیده است. در نتیجه حملات فوق‌الذکر، ۳ نفر از کارمندان این شرکت کشته شدند».



۱۰- مؤسسه تحقیقاتی وایزمن؛ فروپاشی مراکز علمی
 موسسه تحقیقاتی وایزمن که به عنوان قطب علمی و تحقیقاتی اسرائیل شناخته می‌شد، متحمل خسارات سنگینی شد. هزینه خسارت وارده فقط به این موسسه در نتیجه موشک‌باران ایران، بالغ بر ۲ میلیارد شکل (۶۰۰ میلیون دلار) ارزیابی شد. این موسسه که میزبان مهم‌ترین پژوهش‌های علمی، دانشگاهی و نظامی اسرائیل بود، نقشی کلیدی در توسعه فناوری‌های نوین، تسلیحات پیشرفته و صنایع دارویی داشت. آسیب به این مرکز ریسک‌های مهم زیر را به دنبال دارد:
الف- وقفه در پژوهش‌های حیاتی: توقف پروژه‌های تحقیقاتی ارزشمند

ب- از دست رفتن داده‌های علمی: نابودی سال‌ها تحقیق و اطلاعات
ج- مهاجرت متخصصان: خروج نخبگان علمی به کشورهای دیگر
ت کاهش اعتبار بین‌المللی: زیر سؤال رفتن همکاری‌های علمی
۱۱- نیروگاه‌های برق بین‌المللی بن‌گورین؛ فلج شدن دروازه هوایی
 نیروگاه‌های برق بین‌المللی بن‌گورین که تنها دروازه هوایی اصلی رژیم صهیونیستی به جهان خارج محسوب می‌شد، پس از حملات ایران عملاً فلج شد. این فرودگاه که سالانه بیش از ۲۴ میلیون مسافر و ۴۰۰ هزار تن بار جابه‌جا می‌کرد، محور اصلی ارتباط اقتصادی اسرائیل با جهان بود.

توقف عملکرد این فرودگاه منجر موجب لغو هزاران پرواز و خسارت میلیونی به شرکت‌های هوایی، اختلال در تجارت فوری و حمل بارهای حساس، کاهش گردشگری و درآمد‌های وابسته و افزایش هزینه حمل‌ونقل به دلیل استفاده از مسیرهای جایگزین شد.

۱۲- صنایع شیمیایی نقب؛ توقف تولید مواد شیمیایی
 مجتمع صنایع شیمیایی نقب که یکی از بزرگ‌ترین تولیدکنندگان مواد شیمیایی صنعتی در خاورمیانه بود، زیر ضربات موشکی ایران قرار گرفت. آسیب به این مجتمع، خساراتی چون، توقف تولید کودهای شیمیایی، کمبود مواد اولیه صنایع پلاستیک و رنگ، تعطیلی ۱۲ کارخانه وابسته و تعدیل ۵۰۰۰ نیروی کار را می‌تواند به دنبال داشته باشد.

۱۳- خسارات مسکونی و تجاری گسترده
 طبق گزارش کانال خبری شبکه ۷، رژیم صهیونیستی، خسارات مسکونی و تجاری ناشی از حملات ایران ابعاد وسیعی داشت. از جمله: ۲۹،۳۲۶ خانه تخریب شده یا آسیب دیده، ۲،۳۹۲ خودروی تخریب شده یا آسیب دیده و ۳،۷۵۸ مورد در خواست غرامت وسایل خانه. این آثار تنها بخشی از خسارات کل بوده و رقم واقعی بسیار

بالاتر برآورد می‌شود.
۱۴- تعطیلی مراکز خرید و اختلال در بازار مصرف
 رسانه‌های صهیونیستی گزارش دادند همزمان با آغاز حملات ایران، مراکز خرید عمده سرزمین‌های اشغالی از جمله «کریون»، «رمات آویو»، «گرنه مول پتاحتیکو» و «گرنه بیاس» به دلیل تهدیدات امنیتی بسته شدند. این مراکز خرید که در مجموع سالانه ۸.۵ میلیارد دلار گردش مالی داشتند و اشتغال بیش از ۱۲۰ هزار نفر را در مستقیم و غیرمستقیم فراهم کرده بودند، ستون فقرات اقتصاد خرده‌فروشی رژیم صهیونیستی محسوب می‌شدند.

طبق گزارش عربی پست، مدیران این مجموعه‌ها در نامه‌ای فوری به وزیر اقتصاد رژیم صهیونیستی خواستار بازگشایی مجدد شدند اما نبود زیرساخت‌های حفاظتی مناسب سبب خالی شدن این مراکز از مشتریان شده است.

تغییر الگوی مصرف و افزایش قیمت‌ها: در مقابل کاهش خرید کالاهای ضروری، میزان خریدهای مربوط به خواربار و مواد غذایی ۵۰ درصد افزایش یافت که این افزایش ناگهانی موجب خالی شدن قفسه‌های آب معدنی ظرف چند دقیقه، افزایش ۲۵ درصدی قیمت مواد غذایی اساسی، کمبود گوشت مرغ، شیر و لبنیات و تشکیل صف‌های طولانی در فروشگاه‌ها شد.

این تغییر الگوی مصرف نشان‌دهنده وحشت عمومی و کمبود اعتماد مردم به ثبات وضعیت بود.

■ **تحلیل کلان اقتصادی؛ حجم خسارات مالی**
هزینه‌های جنگ و دفاع

بر اساس گزارش The Economic Times، رژیم صهیونیستی فقط در یک هفته اول جنگ، روزانه حدود ۲۷۵ میلیون دلار صرف حملات و دفاع کرده است. جنگ ۱۲ روزه با ایران بیش از ۸ میلیارد دلار هزینه مستقیم در پی داشته است.

تفکیک هزینه‌های روزانه
 - ۲۷۵ میلیون دلار برای حملات هوایی و تهاجمی
 - ۱۲۲ میلیون دلار برای سامانه‌های دفاع موشکی
 - ۲۱۸ میلیون دلار برای بسیج و لجستیک ارتش

هزینه سامانه‌های دفاعی
 روزنامه وال استریت ژورنال گزارش داده بود، هزینه جنگ اسرائیل علیه ایران معانه حداقل ۱۲ میلیارد دلار است و تحلیلگران هشدار داده‌اند اگر جنگ به بیش از ۲ هفته کشیده شود، فشارهای مالی و ساختاری قابل مدیریت نخواهد بود. هزینه اصلی ناشی از فعال‌سازی سامانه‌های پدافندی مانند دیویژ اسلینگ و ادون ۳ و ۴ است که هر فروند می‌تواند بین ۷۰۰ هزار تا ۴ میلیون دلار برای رهگیری هر موشک هزینه داشته باشد. پروازهای مکرر جنگنده‌های «F۳۵» تا آسمان ایران، با هزینه تقریبی ۱۰ هزار دلار در ساعت پرواز همراه است، علاوه بر مصرف بمب‌هایی همچون JDAM و MK84. این علاوه هزینه‌های نظامی، اسرائیل دلار به صرف حداقل ۴۰۰ میلیون دلار برای بازسازی زیرساخت‌ها و ساختمان‌های آسیب‌دیده دارد. هزینه‌های سنگین و مستمر جنگ، همراه با خسارات مالی قابل توجه، فشار گسترده‌ای بر دولت بنیامین نتانیاهو وارد کرده تا به پایان سریع جنگ بیندیشد.

علاوه بر هزینه‌های نظامی، اسرائیل نیاز به صرف حداقل ۴۰۰ میلیون دلار برای بازسازی اولیه زیرساخت‌های آسیب‌دیده دارد. **نتیجه‌گیری:** شکست اقتصادی رژیم صهیونیستی در این روایروایی ۱۲ روزه، نشان‌دهنده تحول بنیادین در موازن قدرت منطقه است. جمهوری اسلامی ایران ثابت کرد نه‌تنها از قابلیت دفاع مؤثر برخوردار است، بلکه می‌تواند هزینه تجاوز را برای متجاوزان به گونه‌ای افزایش دهد که ادامه درگیری غیرممکن شود.

این پربروزی در حالی رخ داده که رژیم صهیونیستی از حداکثر حمایت نظامی و مالی آمریکا و اروپا برخوردار بود. شکست به‌رغم این حمایت‌ها، نشان‌دهنده عمق تحلی است که در معادلات منطقه رخ داده است. آنچه در این ۱۲ روز اتفاق افتاد، فراتر از یک پربروزی نظامی، نمایش قدرت اقتصادی و راهبردی جمهوری اسلامی ایران بود که توانست با حداقل هزینه، حداکثر آسیب را به دشمن وارد کند و او را ناچار به تسلیم سازد.

به نهایت، کلمات رهبر معظم انقلاب که فرمودند رژیم صهیونی «تقریباً از پا در آمد و له شد»، بیان دقیقی از واقعیت اقتصادی و نظامی این رژیم پس از مواجهه با قدرت ایران اسلامی است. این شکست، نقطه عطفی در تاریخ مقاومت منطقه محسوب می‌شود که پیام‌های راهبردی مهمی برای آینده در پی داشته است.

از نقاط حیاتی اقتصاد این رژیم است.

ضربه به مغز متفکر رژیم؛ مؤسسه وایزمن؛ هدف‌گیری موسسه تحقیقاتی وایزمن که به عنوان مغز افزاری و مرکز تولید ایده‌های علمی-تکنولوژیک رژیم عمل می‌کرد، ضربه‌ای مستقیم به قلب نوآوری این رژیم محسوب می‌شود. قطع زنجیره تحقیق و توسعه بلندمدت این موسسه که دهه‌ها در توسعه تکنولوژی‌های پیشرفته سرمایه‌گذاری کرده بود، آثار جبران‌ناپذیری بر روند نوآوری خواهد داشت.

فروپاشی اکوسیستم نوآوری؛ پارک گویام: حمله به پارک فناوری گویام که به عنوان قطب اصلی توسعه استارت‌آپ‌ها و شرکت‌های نوپا عمل می‌کرد، بیش از تخریب فیزیکی ساختمان‌ها، اکوسیستم پیچیده‌ای از روابط، شبکه‌سازی و همکاری‌های فناورانه را منهدم کرده است. از بین رفتن این شبکه که سال‌ها برای تشکیل آن سرمایه‌گذاری شده بود، فرایند بازسازی آن را نه به لحاظ فیزیکی، بلکه به لحاظ معنوی و انسانی به چالشی دهه‌ای تبدیل خواهد کرد.

به نهایت، کلمات رهبر معظم انقلاب که فرمودند رژیم صهیونی «تقریباً از پا در آمد و له شد»، بیان دقیقی از واقعیت اقتصادی و نظامی این رژیم پس از مواجهه با قدرت ایران اسلامی است. این شکست، نقطه عطفی در تاریخ مقاومت منطقه محسوب می‌شود که پیام‌های راهبردی مهمی برای آینده در پی داشته است.

این پربروزی در حالی رخ داده که رژیم صهیونیستی از حداکثر حمایت نظامی و مالی آمریکا و اروپا برخوردار بود. شکست به‌رغم این حمایت‌ها، نشان‌دهنده عمق تحلی است که در معادلات منطقه رخ داده است. آنچه در این ۱۲ روز اتفاق افتاد، فراتر از یک پربروزی نظامی، نمایش قدرت اقتصادی و راهبردی جمهوری اسلامی ایران بود که توانست با حداقل هزینه، حداکثر آسیب را به دشمن وارد کند و او را ناچار به تسلیم سازد.

به نهایت، کلمات رهبر معظم انقلاب که فرمودند رژیم صهیونی «تقریباً از پا در آمد و له شد»، بیان دقیقی از واقعیت اقتصادی و نظامی این رژیم پس از مواجهه با قدرت ایران اسلامی است. این شکست، نقطه عطفی در تاریخ مقاومت منطقه محسوب می‌شود که پیام‌های راهبردی مهمی برای آینده در پی داشته است.

این پربروزی در حالی رخ داده که رژیم صهیونیستی از حداکثر حمایت نظامی و مالی آمریکا و اروپا برخوردار بود. شکست به‌رغم این حمایت‌ها، نشان‌دهنده عمق تحلی است که در معادلات منطقه رخ داده است. آنچه در این ۱۲ روز اتفاق افتاد، فراتر از یک پربروزی نظامی، نمایش قدرت اقتصادی و راهبردی جمهوری اسلامی ایران بود که توانست با حداقل هزینه، حداکثر آسیب را به دشمن وارد کند و او را ناچار به تسلیم سازد.

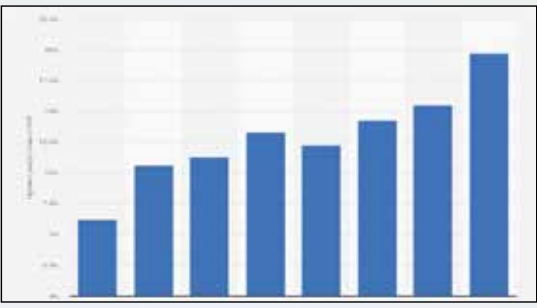
تحلیلی بر ضربات ایران به قلب اقتصادی رژیم صهیونی

هدف؛ حمله به مغز افزار تکنولوژی

و موقعیت انحصاری‌ای در منطقه برای آن ایجاد کرده است.

جذب سرمایه خارجی و ثبات اقتصادی: صنعت فناوری رقم قابل توجه حدود ۲۰ درصد کل تولید ناخالص داخلی رژیم را تشکیل می‌دهد.

این حوزه سالانه بیش از ۶۰ میلیارد دلار صادرات ایجاد می‌کند. صندوق‌های سرمایه‌گذاری



جهانی میلیارد دلار در استارت‌آپ‌ها و شرکت‌های فناوری این رژیم سرمایه‌گذاری کرده‌اند، به گونه‌ای که رژیم صهیونیستی تنها عضو سازمان همکاری‌ها و توسعه اقتصادی است که حدود ۵۰ درصد سرمایه‌گذاری در حوزه تحقیق و توسعه را از محل سرمایه‌گذاری خارجی تأمین می‌کند. این جریان مداوم ارز، نه‌تنها ثبات اقتصادی را فراهم می‌کند، بلکه وابستگی متقابل با اقتصاد جهانی ایجاد کرده که بازدارندگی سیاسی محسوب می‌شود.

